



## عنوان مقاله: تدوین چارچوبی برای هویت شهری مطلوب:

مورد مطالعه شهر جدید پرند

مریم صوفی<sup>۱</sup>، فاطمه عزیزآبادی فراهانی<sup>۲</sup>، ابراهیم حاجیانی<sup>۳</sup>، سیدرضا صالحی امیری<sup>۴</sup>

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۷

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

### چکیده:

**هدف:** مکان‌های سازنده بخشی از هویت افرادند. هویت مکان بر کیفیت رابطه انسان - مکان موثر است. شهرهای امروزی، متأثر از شهرنشینی و سیستم شهرسازی جدید کارکرد هویتی خود را از دست داده‌اند و به محیط‌هایی تهی از هویت منبعث از مکان تبدیل شده‌اند. از این رو هدف اصلی این پژوهش، شناسایی مدل مطلوب هویت‌یابی مکانی در شهرهای جدید است.

**طرح پژوهش / روش‌شناسی / رویکرد:** این پژوهش بنیادی از نوع توصیفی - اکتشافی از روش تحلیل مضمون استفاده می‌کند. داده‌های گردآوری شده از بررسی مبانی نظری و دیدگاه‌های مختلف صاحب‌نظران این حوزه و همچنین، مصاحبه عمیق با ۱۰ نفر از مدیران شهری است. برای شناسایی مضمون‌های مرتبط از نرم‌افزار کیفی مکس کیو دی ای (MAXQDA) استفاده شده است.

**یافته‌ها:** در مجموع ۴۶ کد اولیه و ۴ مضمون اصلی شناسایی، و روابط میان این مضمون‌ها نیز در قالب مدل ارائه شده است. این مدل راهکارهایی را برای حل مسئله هویت مکانی شهر جدید پرند ارائه می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** مکان، هویت، هویت‌یابی مکانی، شهرهای جدید، تحلیل

مضمون

۱. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
f.a.farahani@srbaiu.ir

۳. دانشیار و عضو هیئت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

۴. دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
r-salehisrbiau@ac.ir

## مقدمه

شهر پدیده‌ای بوم‌شناختی (اکولوژیک) است که از کار جمعی انسان‌ها پدید می‌آید، رشد می‌کند، با محیط اطراف خود هماهنگ می‌شود، متاثر از عوامل طبیعی نیست، و تمام عناصر و فضای کالبدی و سایر اجزای آن در حال تحرک، پویایی، و دارای کارکرد و استمرار هستند. شهرها معمولاً در مقایسه با سایر سکونتگاه‌های انسانی از وسعت بیش‌تری برخوردار هستند و جمعیت بالایی دارند. کم‌تر از یک قرن پیش، بیش از دوسوم جمعیت جهان در نقاط روستایی زندگی می‌کردند، اما با ظهور انقلاب صنعتی و آشکار شدن پیامدهای آن همچون تغییر شیوهٔ زیست از کشاورزی به صنعت و خدمات، رشد کمی شهرها و نقاط شهری و هجوم روستاییان به شهرها آغاز شد. از آن‌جا که شهرها گنجایش این میزان جمعیت تازه‌وارد را نداشتند، نگرانی‌هایی در مورد پیامدهای اجتماعی و کالبدی شرایط زیست در شهرهای بزرگ به‌وجود آمد، مانند شرایط نامناسب مسکونی، ازدحام، کمبود فرصت‌های شغلی، کیفیت بد محیطی، شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در حاشیه شهرها، و کیفیت نامناسب زندگی در این سکونتگاه‌های برنامه‌ریزی نشده و خودرو که موجب شده است در کشورهای مختلف جهان، سیاست تمرکززدایی از شهرهای بزرگ از طریق ایجاد شهرهای برنامه‌ریزی شده و خودکفا از نظر فرصت‌های شغلی و قابلیت پذیرش کلیه گروه‌های جامعه در دستور کار قرار گیرد. در حقیقت دولت‌ها به عنوان نماینده نظام اجتماعی، برای رفع نیازهای ساکنان به‌ویژه نیاز به مسکن، به فکر ایجاد شهرهای جدید افتاده‌اند. شهرهای جدید به دلیل سرریز جمعیت شهری، تمرکززدایی جمعیت و اشتغال در جهان در نیم قرن گذشته به عنوان یک ضرورت ایجاد شدند (ابراهیم‌زاده و نگهبان مروی، ۱۳۸۳).

اما رویکردی که در ساخت شهرهای جدید وجود داشت، تک‌بعدی بود و در آن به شهر صرفاً به عنوان فضایی برای اقامت و استراحت، اشتغال، یا مکانی برای جذب سرریز جمعیت کلان‌شهرها نگاه می‌شد و برای دولتمردان و شهرسازان صرفاً مسائل مالی، اداری، و توجیهات اقتصادی آن اولویت داشت. هدف از ساخت شهرهای جدید همواره این بوده که محیط‌زیست مناسب و عاری از مشکلات شهرهای بزرگ داشته باشند. این در حالی است که شهرهای جدید دنیا با وجود دستاوردهایی، در طول دوران توسعه خود، با مشکلات و تهدیدهایی روبه‌رو بودند. این مشکلات ابعاد گوناگونی داشته، و در طول زمان ماهیت آن‌ها تغییر کرده است. مشکلاتی که شهرهای جدید در آغاز و سال‌های نخستین توسعه به آن

دچار می‌شوند، با مشکلات دوران بلوغ آن‌ها متفاوت است. آنچه در بررسی‌های اولیه این پژوهش در مورد شهرهای جدید مشخص می‌شود، این است که یکی از اصلی‌ترین مشکلات این شهرها که به دوره بلوغ آن‌ها برمی‌گردد، فقدان الگوی هویتی مناسب در آن‌هاست (Varesi et al., 2012). به عبارتی، هویتی که شهر جدید (مکان) دارد، آن قدر انسجام‌بخش، مشارکتی، و همدلانه نیست که بتواند یکپارچگی مناسب را در ساکنان خود ایجاد کند. نکته بسیار اساسی که در واقع مهم‌ترین مانع بر سر راه آن‌ها در تبدیل شدن به یک شهر متعارف است، نگرشی است که شهرهای جدید را به عنوان خوابگاه شهرهای بزرگ تعریف می‌کند. این موضوع محدودیت رشد شهرهای جدید را به‌طور دائم بازتولید کرده و به مانع اصلی توسعه متعارف شهرهای جدید و در نتیجه، هویت‌یابی آن‌ها تبدیل شده است. هرچند که شهر جدید نیز مانند سایر شهرها برای کسب هویت به وقت و زمان احتیاج دارد، ولی سیاستگذاران و تصمیم‌گیران می‌توانند برای شکل‌گیری، تسریع، و کمک به انجام این فرایند با برنامه‌ریزی و اتخاذ رویکردهای مدیریت مشارکتی (از پایین به بالا و با حضور همه‌جانبه مردم در تمامی سطوح تصمیم‌گیری)، زمان رسیدن به مطلوب را کوتاه‌تر نمایند.

بر اساس این، در پژوهش حاضر تلاش می‌شود که با شناسایی ابعاد و مولفه‌هایی که شهرهای جدید (مکان) و در پی آن ساکنان این شهرها را واجد هویت می‌نماید و پیشنهاد الگوی مطلوب هویت‌یابی مکانی شهرهای جدید، به سیاستگذاران، تصمیم‌گیرندگان، و شهرسازان در اجرای برنامه‌های آتی یاری شود. در مجموع، مرور و بررسی حدود ۱۰۰ پژوهش انجام‌شده در خصوص شهرهای جدید از سال ۱۳۸۵ تا به امروز این نتیجه را به‌دست می‌دهد که بیش‌ترین تعداد پژوهش‌ها متمرکز بر تاثیر متغیرهایی چون مدت زمان سکونت در شهر جدید، دسترسی به خدمات شهری و حمل‌ونقل عمومی، نما و منظر شهری، سرزندگی و نشاط شهری، و شکل‌گیری آن‌هاست. این پژوهش‌ها بیش‌تر به روش کمی و با استفاده از داده‌های آماری صورت گرفته‌اند، و به‌طور کلی می‌توان گفت هیچ یک از پژوهش‌ها به ارائه الگویی جدید و متناسب با شهرهای جدید کشور ما منتج نشد. به عبارتی دیگر، پژوهش بنیادی در این خصوص صورت نگرفته است. هرچند برخی پژوهشگران، پیشنهادهایی را در خصوص رفع مشکل عدم احساس هویت منبعث از شهر جدید به عنوان مکان زندگی ارائه داده‌اند، اما پیشنهادها یکسان و بسیار عمومی هستند و در نهایت فاقد پیشنهادهای مشخص و راهکارهایی برای جذب و پایداری جمعیت شهرهای جدید و ایجاد تغییر مثبت در آینده آن‌ها هستند. همچنین، سیر نزولی پژوهش‌های مرتبط با هویت در شهرهای جدید در سال‌های اخیر به‌روشنی قابل مشاهده است. بر اساس این، با توجه به شرایط کنونی شهرهای بزرگ به لحاظ متغیرهایی همچون جمعیت، محیط‌زیست، و اشتغال که بر ایجاد هویت مکانی

تاثیرگذارند، نیاز به پژوهش‌های کاربردی در این خصوص احساس می‌شود.

یکی از نیازهای اساسی انسان، تعلق او به فضای زیستن است. اگر این نیاز اساسی مورد توجه قرار نگیرد، ارتباط انسان و مکان زندگی به سمت بی‌اعتنایی می‌رود و حس تعلق به مکان در او از دست می‌رود. از سوی دیگر، اگر حس مکان و احساس تعلق به محیط در افراد شکل گیرد، مکان برای انسان زیست‌پذیرتر و دوست‌داشتنی‌تر می‌شود، شهر در جهت توسعه انسان‌مدار پیش می‌رود، و فعالیت‌های متنوع‌تری در شهر رخ می‌دهد (Relph, 1976). در کشور ما، ایجاد شهرهای جدید دو رویکرد متفاوت را طی نموده است. پیش از انقلاب، شهرهای جدید پذیرای جمعیتی بودند که شغل ساکنان آن از پیش در نزدیکی همان شهر تعریف گردیده و در قالب شهرک‌های صنعتی، نظامی، نفتی یا اداری شکل گرفته بوده است (Ayati & Komeili, 2012). اما امروزه شهرهای جدید با هدف تمرکززدایی از شهرهای بزرگ، جذب مازاد جمعیتی آن‌ها، انتقال برخی صنایع از شهرهای بزرگ، و تامین مسکن کارکنان کم‌درآمد شکل می‌گیرند. به بیان دیگر، شهرهای جدید پیش از انقلاب در محل استقرار صنایع و پادگان‌های نظامی ساخته شده‌اند، اما «بنیانگذاری شهرهای جدید در سال‌های پس از انقلاب، مهم‌ترین تدبیر برای هدایت شهرنشینی و ساماندهی زندگی شهرنشینی بوده است» (زیاری، ۱۳۹۲: ۱۱۰)، و این امید وجود داشت که پس از ایجاد شهرهای جدید، با انتقال صنایع و بخش‌های تولیدی به این شهرها بتوان برای ساکنان آن شغل ایجاد نمود.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش، مصاحبه و پرسشنامه ساخته‌ی پژوهشگران است. در این پژوهش، برای بررسی پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. بر اساس ۲۰ مورد پرسشنامه، پایایی به میزان ۱/۹۱ تخمین زده شده است که در حد مطلوبی بود. از آن‌جا که هویت مفهومی پیچیده و چندبعدی است، تلاش شد که با استفاده از ترکیبی از رویکردهای کمی و کیفی که درک بهتری از موضوع در مقایسه با استفاده هر کدام از روش‌ها به‌تنهایی به‌دست می‌دهد، به مدل مناسبی برای هویت‌یابی مکانی شهرهای جدید رسید. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون به عنوان روشی برای شناخت موضوع و تحلیل گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی و تحلیل داده‌های مبتنی بر مصاحبه، ضمن شناسایی مولفه‌های وضعیت موجود هویتی شهر جدید پرنده و طراحی مولفه‌های وضعیت مطلوب هویتی شهر جدید پرنده، شبکه مضامین مرتبط با هویت مکانی و مدل مطلوب هویتی شهرهای جدید را ارائه می‌دهد.

شهر جدید پرنده در ۳۳ کیلومتری جنوب غربی تهران در مسیر آزاد راه تهران - ساوه و ۱۰ کیلومتری رباط‌کریم واقع شده است. این شهر بر اساس مصوبه شورای عالی معماری و شهرسازی در سال ۱۳۶۸ در دستور کار وزارت مسکن و شهرسازی قرار گرفت و طرح توسعه و عمران آن در

سال ۱۳۷۷ به تصویب رسید. در سند چشم‌انداز شهر آمده است که پرند شهری پویا و خوداتکا در زمینه اشتغال و پیشرو در زمینه صنعت است، و به عنوان یکی از قطب‌های اصلی صنعتی است که در ارتباط با شهر فرودگاهی امام خمینی ایفای نقش می‌کند. دو هدف اصلی برای احداث این شهر وجود داشته است: اسکان بخشی از سرریز جمعیت شهر تهران و اسکان کارکنان فرودگاه امام خمینی. این شهر به دلیل موقعیت ویژه‌اش در دسترسی به آزاد راه تهران - ساوه، پروژه متروی تهران - پرند، و نزدیکی به فرودگاه امام خمینی در طرح‌های توسعه مسکن کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در آخرین طرح تهیه‌شده برای این شهر به عنوان کلان‌شهری فعال با غلبه بخش خدمات پیشرفته و صنایع برخوردار از فناوری نوین در نظر گرفته شده است. اراضی شهر پرند قابلیت پذیرش جمعیت تا حدود ۳۰۰ هزار نفر را داراست. وجود ارتفاعات شمالی و رودخانه شور در جنوب و فرودگاه امام خمینی در شرق، توسعه کالبدی شهر را تحت تاثیر قرار داده و الگوی نهایی توسعه شهر، توسعه خطی بوده است. این الگو جدایی‌گزینی نسبی میان طبقات و گروه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی را به دنبال دارد و هر یک از گروه‌های مسکن دربرگیرنده طبقه خاصی است. بیش‌ترین توسعه و ساخت‌وسازها در فازهای صفر، یک، و دو انجام شده است و کم‌ترین توسعه مربوط به فازهای پنج و شش است که به مسکن مهر اختصاص دارد. مشاغل پایه این شهر در بخش صنعت و تعدادی از مشاغل مربوط به فرودگاه مهرآباد است. بر اساس آمار جمعیتی سال ۱۳۹۵، جمعیت پرند ۹۷۴۶۴ است. این جمعیت با اهداف جمعیتی تعیین‌شده فاصله دارد و نتوانسته است در جذب جمعیت سرریز شهر مادر موفق باشد. همچنین، فرصت شغلی مناسب برای ساکنانش فراهم نکرده و امکانات و خدمات مطلوبی به ساکنان خود ارائه نموده است. عدم راه‌اندازی مترو تهران - پرند هم یکی از موضوع‌هایی است که موجبات نارضایتی ساکنان را تا زمان انجام این پژوهش به دنبال داشته است.

## مبانی نظری پژوهش

### مفهوم هویت

هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات فردی، اجتماعی، احساسات، و اندیشه‌های مربوط به آن‌ها که فرد از راه توانایی کنش متقابل با خود و با یافتن تصوراتی از خود به دست می‌آورد و در جواب پرسش «من کیستم؟» ارائه می‌دهد (Ahmadloo & Afrough, 2003). هویت به دو سطح فردی و اجتماعی (جمعی) تقسیم می‌شود (Rafie Habibzadeh, 2012). هویت فردی از مجموع هویت شخصیتی و هویت‌های اجتماعی فرد تشکیل می‌شود. به عبارتی دیگر، هویت یعنی

کیفیت یکسان داشتن در ذات، ترکیب و ماهیت و نیز یکسان بودن در هر زمان و همه شرایط (Rahimi et al., 2015). هویت فردی، معطوف به بازشناسی مرز بین خود و دیگری است. در مقابل هویت فردی، هویت اجتماعی به رابطه بین خود و دیگران یا دیگر گروه‌های اجتماعی اشاره دارد (Niazi et al., 2013). هویت اجتماعی عبارت است از دانش فرد نسبت به تعلق او به گروه‌های اجتماعی و هیجان‌ات و معانی ارزش که از تعلق داشتن به آن‌ها حاصل می‌شود. به عبارت دیگر، هویت اجتماعی پنداشت درباره خود است که مبنای آن گروه و بستگی‌های گروهی است. هویت اجتماعی افراد در جریان ارتباط و تعامل اجتماعی آنان شکل می‌گیرد. در این دیدگاه هویت امری اجتماعی است که فرد آن را در تعامل با افراد و گروه‌های اجتماعی کسب می‌کند.

### مفهوم هویت مکانی

هویت مکانی بخشی از زیرساخت هویت فردی انسان و حاصل شناخت‌های عمومی وی درباره جهان فیزیکی است که در آن زندگی می‌کند. می‌توان گفت بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی وی را می‌سازد، مکانی است که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران معرفی می‌نماید (Proshansky, 1978). اغلب پژوهشگران هنگامی که عبارت «هویت مکان» را مورد استفاده قرار می‌دهند از این مفهوم فراتر می‌روند و به کنش بین یک فرد و یک مکان به‌نجوی توجه می‌کنند که هویت هر دو درهم می‌آمیزد و نوعی سازندگی دوسویه پیدا می‌کند. این بودن یا تجربه کردن آن مکان است. در این راستا رلف می‌گوید: «این تنها هویت یک مکان نیست که دارای اهمیت است، بلکه هویتی که یک فرد یا گروه با آن مکان دارد، نیز مهم است، به‌ویژه این که آیا افراد، مکان را به عنوان یک غریبه یا آشنا تجربه می‌کنند» (Relph, 1976: 45).

### مفهوم بحران هویت

از دست رفتن تنوع مکانی در دنیای مدرن، حاصل از دست رفتن معانی و مفاهیم بزرگ‌تری است که تنوع مکانی بر آن‌ها اشاره داشته است. رلف (۱۹۷۶)، از محورهای توسعه‌یافته تجاری و شهرهای جدید به عنوان نمونه‌های بی‌مکان یاد می‌کند. قرارگیری شهرهای جدید در ردیف فضاهای بی‌مکان بر فقر کلی فرهنگی و معنایی این فضاها اشاره دارد. هنگامی که تنوع مکان‌ها از بین رود، حس بی‌مکانی شکل می‌گیرد و این بزرگ‌ترین تهدید در ایجاد احساس تعلق مکانی است (Relph, 1976). نیاز به اشاره است که طی بررسی‌های صورت‌گرفته، پژوهش‌های بسیار محدودی به بررسی مولفه‌های

مدیریت فرهنگی و اجتماعی به عنوان یکی از عوامل موثر بر هویت‌یابی مکانی پرداخته‌اند.

## چارچوب مفهومی

عوامل و اجزای مشترک تشکیل‌دهنده هویت مکان و حس مکان بر اساس نظریه‌های مختلف و در قالب پژوهش اسنادی انجام‌شده به شرح **جدول (۱)** استخراج شده است.

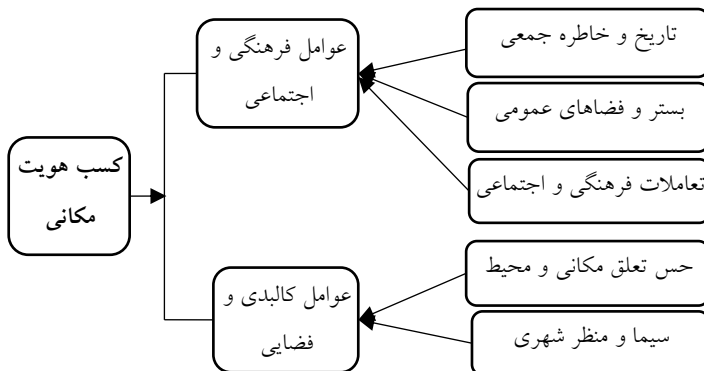
جدول ۱: بررسی مولفه‌ها و شاخص‌ها بر اساس ادبیات نظری

شاخص	پژوهشگر(ان)
تعاملات انسانی، حافظه تاریخ هنر، و زیباشناسی.	(Nasr & Majedi, 2014)
مولفه‌های طبیعی، مصنوعی، و انسانی.	(Nasr, 2017)
مولفه‌های کالبدی، عملکردی، و اجتماعی.	(Zarei & Najafi, 2019)
بازگشت به ریشه‌های اولیه هویت.	(Boussaa, 2018)
ساختمان و نما.	(Yaldiz et al., 2014)
نفوذپذیری، گوناگونی، خوانایی، انعطاف‌پذیری، تناسب بصری، غنای حسی، کارایی، انرژی، حفاظت از اکوسیستم‌ها، پاکیزگی محیط.	(Rezaei, 2013)
سرزندگی، کنترل، دسترسی به فرصت‌ها، شادی، اصالت، معنای زندگی اجتماعی و همگانی، خوداتکایی شهری محیطی برای همه.	(Mousavi et al., 2018)
پیش‌بینی فضا، داشتن تواضع، آموختن از گذشته، ترکیب کاربری مقیاس انسانی، تشویق به آزادی حرکت، مشارکت محلی، خوانا ساختن برای بقا، اجتناب از تغییر بسیار زیاد، افزایش پیچیدگی، لذت و ایجاد خوشایند بصری.	(Jalali et al., 2019)
معنا و عمل، کالبد، فعالیت و تصورات.	(Vahdat et al., 2018)
تعلق، دلبستگی، یکی شدن با اهداف، مشارکت و در نهایت حس فداکاری تعهد عمیق نسبت به مکان.	(Meshkini et al., 2015)

دیدگاه‌های مختلف چه در سطح خرد و چه در سطح کلان (دیدگاه صاحب‌نظران کلاسیک (امیل دورکیم، اگوست کنت، جورج زیمل، ماکس وبر)، دیدگاه صاحب‌نظران تضادگرا (کارل مارکس، لویی آلتوسر، نیکولاس پولاتزاس)، دیدگاه صاحب‌نظران کنش متقابل نمادین (چارلز کولی، جورج هربرت مید، موریس روزنبرگ، ریچارد جنکینز، پیتر برگر، و توماس لاکمن)، دیدگاه صاحب‌نظران رفتارگرایی اجتماعی (جورج هومنز و پیتر بلاو)، و دیدگاه صاحب‌نظران تلفیق‌گرا (آنتونی گیدنز، ایمانوئل کاستلز، و یورگن هابرماس)، همه به نوعی به تغییر و تحول اجتماعی به صورت پویا اعتقاد دارند. مناسب با این



تغییر و تحول، جوامع ساده و ابتدایی (سنّتی) به جوامع پیچیده (مدرن) تغییر می‌یابند. در این چارچوب تشابه‌پذیری جوامع سنّتی جای خود را به تفاوت‌پذیری می‌دهد و نقش‌های محول به نقش‌های پژوهشگر تحول می‌یابند. در این رابطه هویت جمعی افراد نیز از حالت خاص‌گرایانه به عام‌گرایانه و در نهایت، عام‌ترین سطح خود (همنوع) اعتلا می‌یابد. این فرایند با دگرگونی جوامع از حالت ابتدایی (سنّتی) به پیچیده و اجتماعات بزرگ‌تر (مدرن) و تقسیم کار اجتماعی ساده به تقسیم کار پیچیده رخ می‌دهد. در ادامه، چارچوب مفهومی استخراج‌شده از ادبیات نظری پژوهش ارائه می‌گردد (شکل ۱).



شکل ۱: چارچوب مفهومی پژوهش

## روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، از راهبرد تحلیل تماتیک<sup>۱</sup> (مضمون) استفاده شده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل، و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. منظور از الگو مدلی است که از راه نظم مفهومی داده‌های مستخرج به‌دست می‌آید. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006). تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در بیش‌تر روش‌های کیفی بکار رود. به‌طور کلی، تحلیل مضمون روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات به‌ظاهر نامرتب، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان یا فرهنگ، و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (Boyatzis, 1998: 4). روش نمونه‌گیری این پژوهش بنیادی نظری

1. Thematic Analysis

است، بدین معنا که منابعی انتخاب می‌شوند که بیش‌ترین اطلاعات و داده را برای پاسخ به پرسش پژوهش فراهم می‌کنند. در پژوهش‌های کیفی افرادی را که در پژوهش شرکت می‌کنند، فرد یا نمونه نمی‌گویند، بلکه شرکت‌کننده یا صاحب اطلاع محسوب می‌شوند، زیرا روی این افراد مداخله‌ای صورت نمی‌گیرد و فعالانه در پژوهش شرکت دارند (Speziale et al., 2011). افراد به دلیل اطلاعات دست‌اولی انتخاب می‌شوند که دربارهٔ پدیده مورد پژوهش در اختیار دارند. در این پژوهش، افراد خبره و متخصص در حوزه مورد بررسی مدنظر هستند، بنابراین برای انتخاب آنان به شکل نظری یا مبتنی بر هدف عمل‌شده تلاش شد که افراد بر مبنای این انتخاب شوند که چه نوع اطلاعات خاصی را در دست دارند. انتخاب افراد مصاحبه‌شونده بر اساس معیارهای خبرگی (سابقهٔ بالای ۵ سال در حوزه شهری، مدیریت فرهنگی، و تحصیلات کارشناسی و بالاتر) بود. از میان آن‌ها تعداد ۱۰ نفر از کارشناسان و مدیران شهرداری، شرکت عمران شهر جدید پردن، و اعضای شورای شهر (جدول ۲)، بر اساس روش نمونه‌گیری گلوله برفی تا حصول به اشباع نظری انتخاب گردیدند. محل گفتگوها، محل کار آنان بود و روزهای مصاحبه با هماهنگی پیشین تعیین شد. مدت مصاحبه‌ها به‌طور میانگین یک ساعت بود. از ابزار مصاحبه اکتشافی و نیمه‌ساختاریافته برای گردآوری اطلاعات از مطلعان کلیدی استفاده شد. محور اصلی گفتگوها در مصاحبه اول، رویکردها و سیاست‌های سازندگان و مدیران شهری با تمرکز بر برنامه‌های جامع و عملیاتی و اهداف کلان بود. در مصاحبه دوم که بعد از توزیع پرسشنامه و گفتگو با شهروندان انجام شد، میزان توفیق شهرهای جدید در دستیابی به اهداف تعیین‌شده با توجه به نظرهای شهروندان و احساس تعلق آن‌ها به شهر جدید و انتقادهای آن‌ها، به‌ویژه در خصوص برخی تبعیض‌ها، بهبود دسترسی به خدمات عمومی و اجتماعی، و فضاهای مطلوب شهری مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۲: اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	مدرک تحصیلی	رشته تخصصی	جنسیت
۱	کارشناس ارشد	عمران	آقا
۲	دکتری تخصصی	مدیریت دولتی	آقا
۳	کارشناس ارشد	تربیت بدنی	آقا
۵	کارشناس ارشد	ادبیات انگلیسی	خانم
۶	کارشناس ارشد	جامعه‌شناسی	خانم
۷	کارشناس ارشد	آمار	آقا
۸	کارشناس ارشد	مهندسی کامپیوتر	آقا
۹	کارشناس ارشد	شهرسازی	آقا
۱۰	کارشناس ارشد	روان‌شناسی	خانم

## روش گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

کینگ و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۸)، با بررسی و جمع‌بندی تلاش‌های سایر پژوهشگران تحلیل مضمونی، فرایندی سه مرحله‌ای را برای تحلیل مضمونی ارائه نموده‌اند. این فرایند شامل سه مرحله کدگذاری توصیفی<sup>۲</sup>، کدگذاری تفسیری<sup>۳</sup>، و یکپارچه‌سازی از راه مضامین فراگیر<sup>۴</sup> است که در ادامه تشریح می‌گردد.

### مرحله یکم: کدگذاری توصیفی

غرق شدن در داده‌ها، مستلزم بررسی و مرور مکرر داده‌ها به روشی فعال است. در این مرحله، دست‌کم یک‌بار پیش از شروع کدگذاری، کل داده‌ها بررسی می‌شود. در این حالت به هنگام بررسی متن، برخی از ایده‌ها و الگوها شناخته می‌شود. این گام، ستون فقرات مراحل بعدی را شکل می‌دهد. در این گام است که ایده‌های خوبی درباره کدگذاری‌ها و الگوها شکل می‌گیرد. پس از این کار، پژوهشگر آماده است که فرایند کدگذاری را آغاز کند، ولی کدگذاری در کل فرایند تحلیل صورت می‌گیرد و تعریف می‌شود. داده‌های به‌دست‌آمده از منابع دست اول (مصاحبه‌ها) و ادبیات (منابع دست دوم) در نرم‌افزار تحلیل کیفی مکس کیو دی ای بارگذاری شد تا فرایند کدگذاری صورت پذیرد.

### مرحله دوم: کدگذاری تفسیری

گام دوم، زمانی آغاز می‌شود که پژوهشگر داده‌ها را بررسی کرده و با آن‌ها آشنا شده باشد و فهرست اولیه‌ای از ایده‌های موجود و نکته‌های جالب آن‌ها را در داده‌ها تهیه کرده باشد. از این‌رو، این گام مستلزم ایجاد کدهای اولیه از داده‌هاست. در این گام، از کدها برای تقسیم داده‌های متنی به بخش‌های فهمیدنی و قابل استفاده مانند بند، عبارت، کلمه یا سایر معیارهایی استفاده می‌شود که برای تحلیل خاص لازم است. کدهای موجود در چارچوب کدگذاری باید حد و مرز مشخص و تعریف‌شده‌ای داشته باشند، به‌گونه‌ای که تغییرپذیر یا تکراری نباشند. همچنین، باید محدود به قلمرو پژوهش باشند و به‌طور روشن بر موضوع تمرکز داشته باشند تا از کدگذاری هر جمله از متن اصلی اجتناب شود. این گام به لحاظ تفسیری دارای اهمیت است.

1. King et al.
2. Descriptive Coding
3. Interpretive Coding
4. Overarching Themes

## مرحله سوم: یکپارچه‌سازی

گام سوم زمانی شروع می‌شود که همه داده‌ها، کدگذاری اولیه و گردآوری شده باشند و فهرستی طولانی از کدهای مختلف در مجموعه داده‌ها شناخته شده باشد. در این گام که به تحلیل در سطحی کلان‌تر از کدها تمرکز دارد، کدهای مختلف در قالب مضامین مرتب می‌شوند و همه داده‌های کدگذاری‌شده مرتبط با هر یک از مضامین، شناخته و گردآوری می‌شود. اساساً در این مرحله، کدها تجزیه و تحلیل می‌شوند و به نحوه ترکیب و تلفیق کدهای مختلف برای تشکیل مضمون پایه توجه می‌شود. در این مرحله می‌توان از شکل، نمودار، جدول، نقشه‌های ذهنی، یا نوشتن نام هر کد همراه با توضیح خلاصه‌ای از آن روی کاغذی جداگانه و قرار دادن آن در ستون مضمون مرتبط برای مرتب کردن کدهای مختلف در قالب مضامین بهره گرفت. در این مرحله، ممکن است مجموعه‌ای از کدها به هیچ مضمونی اختصاص پیدا نکند یا ممکن است از برخی کدها صرف نظر شود. برای چنین کدهایی می‌توان به‌طور موقت استفاده کرد تا در صورت بررسی مجدد جایگاه مناسب آن‌ها در قالب مضامین تعیین شود. کدگذاری را می‌توان دستی یا با نرم‌افزارهای رایانه‌ای انجام داد. همچنین، می‌توان با نوشتن یادداشت روی متن یا حواشی آن یا با استفاده از مدادهای رنگی و ماژیک، داده‌های مورد نظر را برجسته کرد. همچنین، می‌توان از یادداشت‌های فهرست‌بندی‌شده و فیش‌های پژوهشی استفاده کرد که در این پژوهش نیز از این فرایند استفاده شد. داده‌های کدگذاری‌شده بر اساس دو مرحله پیشین مضمون‌بندی شدند و بر اساس قابلیت مکس مپ نرم‌افزار مکس کیو دی ای، نقشه و نمودار درختی آن ارائه گردید (شکل‌های ۲ و ۳).

## ارزیابی اتکاپذیری یافته‌های کیفی

می‌توان گفت پژوهش حاضر از اعتمادپذیری کافی برخوردار است و نتایج حاصل از آن نماینده داده‌های پژوهش است. همچنین، انجام مصاحبه‌ها به صورت عمیق در فضایی دوستانه و به تعداد کافی همراه با مرور چندین باره مصاحبه‌ها موجب شده است که پژوهش از راستی، تصدیق‌پذیری، تطابق، و فهم‌پذیری کافی برخوردار باشد و در نهایت، می‌توان گفت نتایج حاصل از پژوهش از اتکاپذیری کافی برخوردار است.

## یافته‌های پژوهش

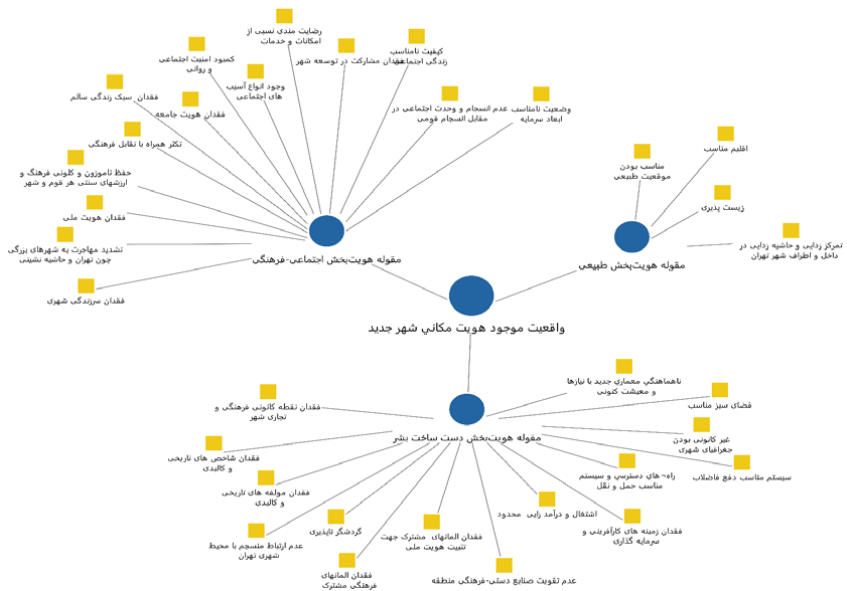
تحلیل مضمون، طیف گسترده‌ای از روش‌ها و فنون را در بر می‌گیرد. در فرایند تحلیل مضمون با توجه به اهداف و پرسش‌های پژوهش می‌توان از روش‌های تحلیلی مناسب استفاده کرد. داده‌های

پژوهش از راه بررسی اسناد، مصاحبه عمیق، و مشاهده مستقیم پژوهشگر گردآوری شد. سپس کدگذاری توصیفی برای بررسی عمیق داده‌های گردآوری‌شده انجام پذیرفت و آماده کدگذاری شدند و کدگذاری تفسیری برای ایجاد کدهای اولیه صورت پذیرفت. ۷۵ کد اولیه شناسایی و استخراج شد. ۲۹ کد اولیه به چستی واقعیت موجود هویت مکانی شهر جدید پرند و ۴۶ مورد به چگونگی چارچوب مطلوب هویت شهری در شهر جدید پرند دلالت داشتند. پس از این که فهرستی از کدهای اولیه بر اساس داده‌ها ایجاد گردید، مرحله سوم کار یعنی یکپارچه‌سازی آغاز شد. در این گام که یک سطح کلان‌تر است، کدهای مختلف در قالب مضامین مرتب شدند. کدها تجزیه و تحلیل شدند تا مفاهیم پایه مضامین شکل بگیرند که در نهایت با استفاده از نقشه ذهنی مدل مضامین وضعیت موجود هویت مکانی شهر جدید پرند در قالب سه مضمون شامل مولفه‌های هویت‌بخش اجتماعی - فرهنگی، هویت‌بخش طبیعی، و هویت‌بخش ساخته دست شناسایی شدند (شکل ۲). مضامین چارچوب مطلوب هویت شهری شهر جدید پرند نیز در چهار دسته اصلی جغرافیایی - فیزیکی - اکولوژیک، اجتماعی، فرهنگی - تاریخی، و اقتصادی شناسایی شدند (شکل ۳).

### چستی واقعیت موجود هویت مکانی شهر جدید پرند

بر پایه شبکه مضامین شناسایی‌شده در خصوص واقعیت موجود هویت مکانی شهر جدید پرند سه مضمون اصلی و محوری مشخص شد. مضمون (مقوله) هویت‌بخش اجتماعی - فرهنگی با ۱۴ کد اولیه شناسایی شد که شامل وضعیت نامناسب ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت و پیوندها، و شبکه‌های اجتماعی)، عدم انسجام و وحدت اجتماعی در مقابل انسجام قومی، کیفیت نامناسب زندگی اجتماعی، فقدان مشارکت در توسعه شهر، رضایتمندی نسبی از امکانات و خدمات (بهداشتی، تفریحی، و زیرساختی)، وجود انواع آسیب‌های اجتماعی، کمبود امنیت اجتماعی و روانی، فقدان هویت جامعه محلی، فقدان سبک/ روش زندگی سالم، تکثر همراه با تقابل فرهنگی، حفظ ناموزون و کلونی فرهنگ و ارزش‌های سنتی هر قوم و شهر، فقدان هویت ملی، تشدید مهاجرت به شهرهای بزرگی چون تهران و حاشیه‌نشینی، فقدان تبادل و تعاملات فرهنگی، و فقدان سرزندگی شهری می‌شود. مضمون (مقوله) هویت‌بخش طبیعی با چهار کد اولیه مناسب بودن موقعیت طبیعی، اقلیم مناسب (آب و هوای خنک، هوای سالم، آسمان آبی، دارای شیب مناسب و چشم‌اندازهای زیبا، زیست‌پذیری مناسب (محیطی آرام و ساکت)، تمرکززدایی و حاشیه‌زدایی در داخل و اطراف شهر تهران مشخص شد. مضمون (مقوله) سوم شبکه‌های هویت‌بخش دست ساخت بشر با ۱۵ کد اولیه با فقدان نقطه کانونی فرهنگی و تجاری شهر، فقدان شاخص‌های تاریخی و کالبدی، فقدان

مولفه‌های تاریخی و کالبدی فرهنگی مشترک یا خرده‌فرهنگ‌های منسجم، عدم ارتباط منسجم با محیط شهری تهران، گردشگرناپذیری، فقدان عناصر فرهنگی مشترک با تنوع فرهنگی، فقدان عناصر مبتنی بر ارزش‌های تاریخی و فرهنگی مشترک برای تثبیت هویت ملی، عدم تقویت صنایع دستی - فرهنگی منطقه، اشتغال و درآمدزایی محدود، فقدان زمینه‌های کارآفرینی و امکان سرمایه‌گذاری بر بسترهای فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی قابل قبول، راه‌های دسترسی و سیستم مناسب حمل‌ونقل (زمینی، ریلی، هوایی)، سیستم مناسب دفع فاضلاب، غیرکانونی بودن جغرافیای شهری، فضای سبز مناسب، ناهماهنگی معماری جدید با نیازها و معیشت کنونی تعریف گردید.



شکل ۲: واقعیت موجود هویت مکانی شهر جدید پرند

## حرکت از وضع موجود به شرایط مطلوب

در این‌جا سیاست‌ها و برنامه‌هایی برای حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب با توجه به منابع و ظرفیت‌های موجود پرند و مولفه‌های یادشده ارائه می‌شود. بر اساس ۴۶ کد اولیه شناسایی شده مدل مضامین در قالب چارچوب مطلوب هویت شهری شهر جدید پرند تهیه و ترسیم گردید. عمده

کدهای اولیه شناسایی شده بر اساس اصول کدگذاری از داده‌های مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌باز انجام شده به دست آمد. به‌طور کلی، ۴۶ کد اولیه در قالب ۴ مضمون دسته‌بندی شدند. از این رو، چارچوب مطلوب ارائه شده در قالب ۴ زمینه موضوعی (تماتیک) به این شرح است:

۱. مضمون (مقوله) جغرافیایی - فیزیکی - اکولوژیک: کدهای اولیه شناسایی شده این تم شامل شناخت و معرفی موقعیت طبیعی، شناخت و معرفی تنوع اقلیمی، امکان زیست‌پذیری، امکان ممانعت از ایجاد حاشیه در شهرهای بزرگ، امکان کنترل مهاجرت به شهرهای بزرگ، امکان تمرکززدایی از شهرهای بزرگ، سیستم مناسب حمل‌ونقل و ترافیک، سیستم مناسب دفع فاضلاب، وجود و دسترسی مناسب به مراکز تفریحی، آموزشی، خدماتی و تجاری، کانونی بودن جغرافیای شهری، فضای سبز مناسب، هماهنگی معماری جدید با نیازها و معیشت، راه‌های دسترسی مناسب، بسترهای فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، و در نهایت محله‌محوری و توجه به نقاط کانونی است. در حال حاضر، فاصله زیادی بین انتظارات ساکنان شهر و وضعیت استاندارد وجود دارد و شهروندان به صورت مداوم در مورد کمبود امکانات و خدمات درخواست دارند. دغدغه اصلی مردم شغل است، به همین خاطر مکان‌یابی شهرهای جدید باید به‌گونه‌ای در کنار فعالیت‌های اقتصادی، صنعتی، یا عمرانی باشند: «ما ظرفیت خالی زیادی در شهر داریم. یکی از اهداف احداث این شهرها، پاسخگویی به سرریز جمعیت شهرهای مجاور بوده است. بر اساس این، یکی از اولین عوامل سکونت‌پذیر کردن این شهرها، دسترسی آسان به حمل‌ونقل بین شهرهای جدید و مادر است. یک سیستم حمل‌ونقل سریع، آسان و ارزان باعث ترغیب مردم به زندگی در آن شهر می‌شود، که قول آن را به مردم داده‌ایم. این‌جا آرامش هست و ازدحام شهرهای بزرگ نیست، اما اگر کار مردم به محل زندگی‌شان نزدیک باشد، امکانات زندگی برایشان فراهم باشد، و امنیت و شغل و تفریح داشته باشند، جمعیت شهر به آنچه که برای آن در نظر گرفته شده است، می‌رسد».

در خصوص مولفه‌های هویت‌بخش طبیعی با توجه به مختصات جغرافیایی و اظهار شهروندان، شهر پرنده در موقعیت مطلوبی به‌سر می‌برد و مدیران به‌خوبی می‌توانند از این مزیت رقابتی برای جذب جمعیت پایدار بهره‌برداری کنند. اما در خصوص مولفه‌های هویت مصنوعی شرایط کمی متفاوت است و به نظر می‌رسد با توجه به آن‌که ساکنان این شهر از قومیت‌ها و مناطق مختلف کشور هستند، می‌توان از سرمایه عظیم انسانی به‌خوبی استفاده کرد و با نصب عناصر و نمادهای آنان در جای‌جای شهر جدید، انتخاب نام خیابان‌ها، کوچه‌ها، میادین، و محله‌ها بر اساس متفکران و مفاخر شهرهای کشور، برگزاری جشن‌ها، مناسبت‌های آیینی، نمایشگاه‌های فرهنگی و مصنوعات محلی، بازی‌ها و مسابقات ورزشی محلی برای بالا بردن حس تعلق بهره‌بردار. فضاهای دلنشین

و خودمانی در محله ارتباطات انسانی را به وجود می‌آورد و می‌تواند حس نزدیکی و همسایگی را در ساکنان یک شهر ایجاد کند. این فضاها به استفاده‌کنندگان امکان نظارت اجتماعی و کنترل رفتار دیگران را فراهم می‌کند که این خود خاطرات و تجربیات مثبت را به وجود می‌آورد. هرچه این خاطرات بیش‌تر و قوی‌تر باشد، هویت شهر یا انسان کامل‌تر می‌گردد. این فضاها می‌توانند سنتی و مدرن باشند، ولی عامل مهم، چگونگی سازماندهی آنهاست که ایجاد یک پاتوق و همبستگی اجتماعی را ایجاد نماید. رویدادها و اتفاقات روزانه نیز در تشکیل خاطرات شهر و انسان موثر است. برگزاری مسابقات، گردهمایی‌های محلی، منطقه‌ای و ملی، نمایش‌های خیابانی و عزاداری‌ها از جمله رویدادهایی است که در حافظه شهر می‌ماند و شهر خاطره‌انگیز می‌گردد. شهر با خاطره، علاقه فرد به محیط زندگی را به وجود می‌آورد. تاثیر دادن آرا و نظرات مردم در برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌های شهری از دیگر ابزارهای ایجاد زمینه هویت در بافت‌های شهری و شهرهای جدید است. در صورت مشارکت شهروندان در امور شهری است که این تفکر به وجود می‌آید و شهرنشینان را به سوی شهروند شدن هدایت می‌کند که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد: «مردم از جاهای مختلف و سطوح فرهنگی مختلف کنار هم جمع شده و آشنایی قبلی با آداب و رسوم هم نداشته و به جبر و مسائل اقتصادی در شهری غیر از شهر خودشان ساکن شده‌اند. ما برخی رویدادهای فرهنگی را برنامه‌ریزی کردیم تا در قالب آنها مردم با هم و آداب و رسوم و صنایع دستی شهرهایشان آشنا بشوند. در نتیجه، اجتماعات خوبی شکل گرفت».

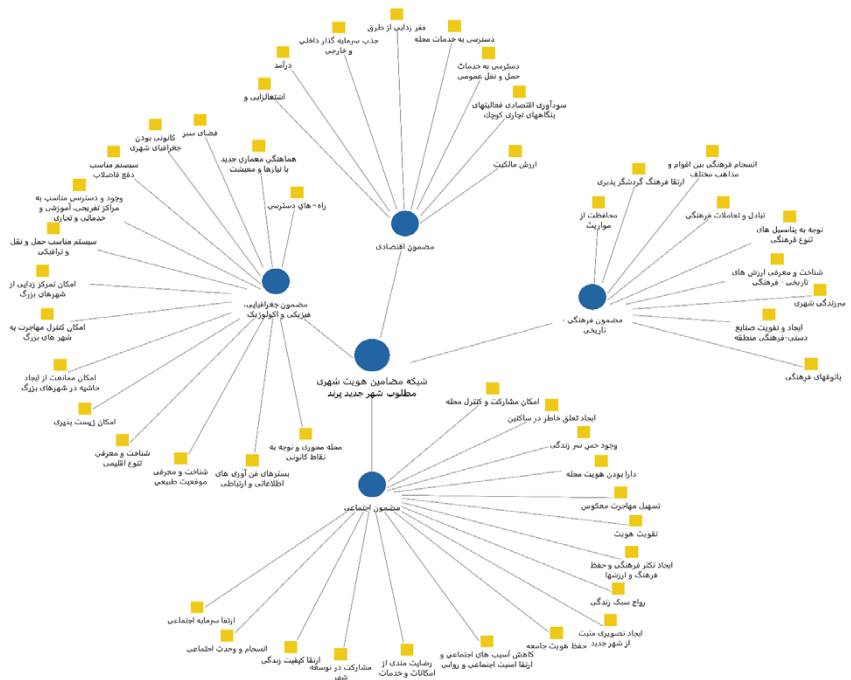
۲. مضمون (مقوله) اجتماعی: این مضمون نیز از کدهای اولیه‌ای از این قرار تشکیل می‌شود: ارتقای سرمایه اجتماعی، انسجام و وحدت اجتماعی، ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی، مشارکت در توسعه شهر، رضایتمندی از امکانات و خدمات، کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقای امنیت اجتماعی و روانی، حفظ هویت جامعه محلی، ایجاد تصویری مثبت از شهر جدید، رواج سبک زندگی سالم، ایجاد تکثر فرهنگی و حفظ فرهنگ و ارزش‌های سنتی هر قوم و شهر، تقویت هویت ملی، تسهیل مهاجرت معکوس، دارا بودن هویت محله‌ای، وجود حس سرزندگی، ایجاد حس تعلق خاطر در ساکنان، امکان مشارکت و کنترل محله‌ای: «همان‌طور که بارها گفته شد، نگاه به کارکرد شهرهای جدید، صرفاً به عنوان محلی برای سرریز جمعیت شهرهای بزرگ موجب شده که آنها به یک‌سری خوابگاه در کنار شهرهای بزرگ تبدیل شوند. اما آنچه اکنون در کانون توجه ما قرار دارد، نه صرفاً ساختمان‌سازی، بلکه انسان و نیازهای اوست»، یا «بسیاری از ساکنان شهرهای جدید، مهاجرانی هستند که از راه‌های دور و نزدیک به این‌جا آمده‌اند، غریبه بودن آنها با هم و نداشتن رابطه همسایگی، نداشتن خاطره در این شهر، نبود عناصر هویت‌بخش و فضاهای عمومی



خاطره‌انگیز، احساس تبعیض و نبود امنیت، نبود محلی برای گذران اوقات فراغت ساکنان بخشی از مسائل شهرهای جدید است که برای حل آن‌ها برنامه‌ریزی شده است. مردم می‌توانند با هم تبادل فرهنگی داشته باشند و با آداب و رسوم و سنت‌های هم آشنا شوند، مانند جشنواره غذاهای سنتی که برگزار شد».

۳. مضمون (مقوله) فرهنگی - تاریخی: این مضمون نیز از کدهای اولیه مشخصی ایجاد می‌شود که عبارت‌اند از محافظت از میراث فرهنگی، ارتقای فرهنگ گردشگرپذیری، انسجام فرهنگی بین اقوام و مذاهب مختلف، تبادل و تعاملات فرهنگی، توجه به ظرفیت‌های تنوع فرهنگی، شناخت و معرفی ارزش‌های تاریخی و فرهنگی، سرزندگی شهری، ایجاد و تقویت صنایع دستی - فرهنگی منطقه، و پاتوق‌های فرهنگی: «اگر بخواهیم تعداد افراد با سکونت طولانی و پایدار داشته باشیم، در کنار توسعه عمرانی باید شرایط مطلوب را برای حضور آنان فراهم کنیم. شهرهای جدید باید دارای ویژگی خاص باشند و برای ساکنان جاذبه داشته باشند و برنامه ما تبدیل یک شهر بی‌جان در وسط بیابان به یک شهر دوستدار ورزش، فرهنگ و هنر، طبیعت یا حیوانات است».

۴. مضمون (مقوله) اقتصادی: این مضمون کدهای اولیه را با موضوعیت اقتصادی در بر می‌گیرد، از جمله اشتغال‌زایی و کارآفرینی، درآمدزایی، جذب سرمایه‌گذار داخلی و خارجی، فقرزدایی از راه‌های مختلف، دسترسی به خدمات محله‌ای، دسترسی به خدمات حمل‌ونقل عمومی، سودآوری اقتصادی فعالیت‌های بنگاه‌های تجاری کوچک و ارزش مالکیت محلی: «در خصوص مولفه‌های هویت انسانی (اجتماعی، فرهنگی - تاریخی، و اقتصادی) باید از تمرکز بر رویکرد مدیریت متمرکز، فرمایشی و از بالا به پایین، به سمت رویکرد مشارکتی و از پایین به بالا متمرکز شد. به طوری که با ایجاد بسترها و زمینه‌های مناسب اجتماعی و فرهنگی، امکان ایجاد و گسترش شاخص‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی از جمله اعتماد، پیوند و انسجام، مشارکت بین‌فردی تا کلان‌محلی، حس همدلی و پیوستگی با همسایه‌ها و کل جامعه محلی فراهم گردد. با این اقدامات به نظر می‌رسد ضمن افزایش احساس تعلق به شهر و محل زندگی، شرایطی برای افزایش انسجام محلی و نهایت امکان ایجاد، حفظ و تعمیق و تعمیم هویت مکانی فراهم گردد. در آن صورت، افراد از زندگی در شهری که خودشان را در سرنوشت آن سهیم می‌دانند لذت می‌برند و برای آن احترام قائل هستند. همین موضوع می‌تواند باعث کاهش انواع آسیب‌ها و مشکلات این شهر شود: «مسئله اشتغال در شهرهای جدید هم از نظر مردم و هم مسئولان در اولویت قرار دارد. ما باید از صنایع خلاق حمایت کنیم و فرایندهای جذب سرمایه را در شهرهای جدید تسهیل کنیم. تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه کارآفرینی شهری از سیاست‌های اقتصادی شهرهای جدید است».



شکل ۳: شبکه مضامین الگوی هویت شهری مطلوب شهر جدید پرند

## بحث و نتیجه گیری

شهر با هویت، شهری است که مردم در آن حضور فعال، مستمر، و بانشاط داشته باشند و زندگی در آن را موقتی و به مثابه دوره گذار تلقی نکنند. در خصوص ابعاد سه گانه هویت مکانی (طبیعی، مصنوع، و اجتماعی) که پیش تر گفته شد، پژوهش نشان می دهد که بی توجهی دست اندرکاران، مدیران، و شهرسازان به هر یک از این مولفه ها، پیامدهایی از قبیل عدم تمایل شهروندان به زندگی در شهر جدید یا سکونت به اجبار فاقد هرگونه احساس تعلق را به دنبال دارد. به نظر می رسد در هیچ یک از فرایندهای ایجاد شهر جدید اعم از مکان یابی، برنامه ریزی، طراحی، و اجرا این موضوع در نظر گرفته نشده است. در نتیجه، ساکنان به دلیل نبود مولفه های هویت بخش اجتماعی-فرهنگی هیچ گونه احساس تعلق و مسئولیتی در قبال محل سکونت خود نداشته و هیچ گونه پیوند و شبکه ای ایجاد نکرده اند. آن ها به عنوان جمعیتی شناور تلقی می شوند که هر لحظه امکان جابه جایی دارد.

این شهر از لحاظ مولفه‌های هویت‌بخش اجتماعی-فرهنگی وضعیت مناسبی ندارد، به طوری که برخی معتقدند ارزیابی موفقیت یا عدم موفقیت پروژه‌هایی چون شهرهای جدید معمولاً به زمان طولانی نیاز دارد و به عوامل گوناگون متکی است و بحث هویت‌یابی در این شهرها هم از این موضوع جدا نیست.

در همین راستا، چندین مسئله در کندی فرایند هویت‌یابی شهرهای جدید دخالت دارند. از مهم‌ترین این عوامل ضعف تنوع اقدام‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی در میان ساکنان شهرهای جدید است. نکته بسیار اساسی که در واقع مهم‌ترین مانع بر سر راه آن‌ها در تبدیل شدن به یک شهر متعارف است، نگرشی است که شهرهای جدید را به عنوان خوابگاه شهرهای بزرگ تعریف می‌کند. این موضوع محدودیت رشد شهرهای جدید را به طور دائم بازتولید کرده و به مانع اصلی توسعه متعارف شهرهای جدید و هویت‌یابی آن‌ها تبدیل شده است. همچنین، یکی از مهم‌ترین مسائل شهرهای جدید، موضوع جذب و تثبیت جمعیت، و جلوگیری از شناور بودن جمعیت است. در همین زمینه، ایجاد تعلق مکانی به منظور حفظ جمعیت یکی از مهم‌ترین موضوع‌هایی است که ذهن مدیران شهرهای جدید و متخصصان و برنامه‌ریزان شهرسازی و پژوهشگران حوزه‌های مختلف شهرسازی و علوم اجتماعی را به خود مشغول کرده است. به طوری که در شهر جدید، فرد بیش‌تر از آن‌که شهروند باشد، ساکن است. او به گونه‌ای ارادی یا غیرارادی از سر اجبار یا میل، سکونت را در شهر جدید اختیار کرده است. او در مکانی سکنی می‌گزیند که هیچ نشانه یا شناسه‌ای در آن‌جا وجود ندارد، در کنار فرد یا افرادی زندگی می‌کند که تا امروز آن‌ها را نمی‌شناسد، با روحیه‌های آن‌ها آشنا نیست، و هیچ رمز و راز یا استعاره و تمثیلی را با آنان سراغ ندارد. او در مکانی ساکن شده است که هیچ خاطره‌ای از پیش از آن در ذهن ندارد. شهر نیز خاطره‌ای از خود به یاد ندارد، چون در جایی استقرار یافته که پیش از او فضایی باز و گسترده در دامن طبیعت بوده است. این فضا با استقرار مردم به مکانی تبدیل می‌شود که بدون خاطره و هویت پیشین است. پس هم شهر و هم ساکنان شهر از پی یک مقصود، اولی در پی اعلام هویت مکانی، و دومی در پی اعلام هویت شهروندی روان می‌شوند. یعنی دو امر متقابلی که یکی بدون دیگری ناممکن است. در همین امر متقابل است که هم شهر در حافظه شهروندان می‌نشیند و هم شهروند مکانی را بازمی‌شناسد که مهر و نشانه خود را بر آن زده و آن را از آن خود کرده است.

در مجموع، نتایج نشان می‌دهد که شهر جدید پرند دچار اخلاص هویت ناشی از مولفه‌های هویت مصنوع و هویت اجتماعی است. پایین بودن کیفیت زندگی در پرند به علت نبود امکانات خدماتی، حمل‌ونقل عمومی، گذراندن اوقات فراغت، و محدودیت شغل در شهرهای جدید (دور

بودن محل کار از محل زندگی)، که ساکنان پرند در مصاحبه‌های بسیار به آن اشاره کرده‌اند، پرند را شهری فاقد هویت مکانی برای ساکنان تبدیل کرده و تجربه شهرسازی را در آن با شکست مواجه ساخته است: «من و خواهرم دو سال با هم در این‌جا زندگی می‌کنیم. این‌جا افراد مجرد زیاد زندگی می‌کند و برای مردم عادی است. فقط اگر شب و نیمه‌های شب مشکلی پیش بیاید ما نمی‌توانیم از خانه بیرون برویم. مخصوصاً فاز ۴ که اصلاً امنیت ندارد، یعنی هیچی ندارد! دو نانوبی داشت که بسته شد. چند کیلومتر راه باید طی شود تا بتوان به نانوبی رسید. از کدام مشکل پرند باید گفت! بدون امکانات، بدون بانک، بدون مرکز درمانی».

برای جبران آنچه اتفاق افتاده و نیل به اهداف تعیین‌شده، لازم است مدلی واقع‌بینانه برای برنامه‌ریزی فرهنگی مختص به این نو-شهرها ارائه شود و چشم‌انداز و مأموریت‌های اجتماعی و فرهنگی به‌طور خاص برای آن‌ها تدوین گردد. از این‌رو، باید تغییراتی در رویکردهای موجود صورت گیرد تا با جلب نظر و مشارکت مردم به عنوان مخاطب و بهره‌بردار اصلی شهر شاهد رشد، توسعه، و نشاط شهر باشیم و از هدررفت انرژی و سرمایه بیش از این جلوگیری شود. واقعیت آن است که تحقق یک شهر مطلوب امری آهسته و پیوسته است: «زمانی که ساکن پرند شدم نه میدان استقلال وجود داشت نه بلوار جمهوری و نه پارک فدک، و مسکن مهر هم نبود. پرند هنوز گاز نداشت. آب معمولاً شب تا صبح قطع بود. فقط یک کیوسک تلفن این‌جا بود که صف بود همیشه. یک منزل ویلایی بود که مطب شده بود و یک داروخانه که فقط تا ۹ شب باز بود. از نظر من، این شهر خیلی پیشرفت کرده است، و بهتر هم می‌شود، ولی باید صبر کرد. آدم‌های این‌جا کمی ضعیف هستند، اما می‌توانند کمک کنند که این‌جا شهر بهتری برای زندگی شود».

تمدن شهری را باید از منظر توسعه تدریجی در ابعاد مختلف در نظر گرفت و دیدن آن به عنوان یک پروژه امری خطاست. سیاستگذاران و مدیران شهرهای جدید باید مسئله جامعیت شهر را درک کنند و از خطای تقلیل شهر به مسکن، محل کار، و حمل‌ونقل، و خطای تقدم برنامه‌ریزی کالبدی بر برنامه‌ریزی اجتماعی بپرهیزند. توجه آن‌ها به شهر باید شامل ابعاد انسانی باشد و در سیاست‌ها و اقدام‌های خود اهمیت مقیاس‌های انسانی را برای شهرسازی درک کنند: «من از دخترم خجالت می‌کشم. این‌جا هیچ جای تفریحی ندارد. او خیلی باهوش است و اهل کتاب خواندن، اما این‌جا هیچ امکاناتی برای او وجود ندارد!».

با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته و مباحث نظری ارائه‌شده در حوزه هویت و مکان، پیشنهاد می‌شود برنامه‌هایی در جهت تقویت مضامین موثر بر هویت‌یابی مکانی اجرا شود. لازم است که پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی هم‌زمان با مکان‌یابی و پژوهش‌های عمرانی و فنی صورت گیرد

و زیرساخت‌ها و عناصر اجتماعی - فرهنگی سازنده شهر (و نه صرفاً ساخت تعدادی دیوار به نام مسکن) با جلب مشارکت و اخذ نظرات و سلايق شهروندان به عنوان بهره‌برداران اصلی شهر فراهم گردد. به نقش و اهميت فضاهاى عمومى به عنوان محلى براى شكل‌گيرى تعاملات اجتماعى، ايجاد خاطره، و گذراندن اوقات فراغت براى گروه‌هاى مختلف جنسى، سنى، و قومى توجه ويژه صورت گيرد. شهرهاى جديد تاريخ و گذشته‌اى ندارند، اما بايد از حال، تاريخى براى آيندگان ساخته شود تا در آينده خاطرات جمعى نقاط هويتى شكل بگيرد.

با توجه به غناى محدود ادبيات نظرى در اين حوزه پيشنهاده مى‌شود مدل ارائه‌شده اين پژوهش با محوريت مضمون‌هاى اصلى در شكل‌گيرى هويت مطلوب شهر جديد توسط ساير پژوهشگران كيفى ارتقا يابد و ساير جنبه‌هاى اين موضوع از راه تكيك‌هاى كيفى متنوع اعم از تحليل داده‌بنياى و تحليل پديدارشناسانه شناسايى گردد. همچنين، پژوهشگران كمى مى‌توانند با ارزيايى ميدانى مدل ارائه‌شده به اثبات آن در جهت رد يا تايبيد فرضيه‌هاى پژوهش بپردازند.

## منابع

### الف) انگليسى

- Ahmadloo, H., & Afrough, E. (2003). The Relationship between National Identity and Ethnic Identity among the Youth of Tabriz. *National Studies*, 1(13), 109-144.
- Ayati, H., & Komeili, M. (2012). An Analysis of New Cities as a Part of Government Intervention in Urbanism (With an Emphasize on Post-Islamic Revolution Period). *Journal of Studies on Iranian Islamic City*, 1(6), 97-106.
- Boussaa, D. (2018). Urban Regeneration and the Search for Identity in Historic Cities. *Sustainability*, 10(1), 48-64. <https://doi.org/10.3390/su10010048>
- Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development*: Sage Publication.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Jalali, A., Pourjafar, M. R., & Ranjbar, E. (2019). Prioritization Strategies in Preparing the "Urban Design Framework" Document in the Center of Golbahar New Town, Using AHP Model. *Geography and Urban Space Development*, 5(1), 171-153. <https://dx.doi.org/10.22067/gusd.v5i1.69911>
- King, N., Horrocks, C., & Brooks, J. (2018). *Interviews in Qualitative Research*: Sage Publication.
- Meshkini, A., Ghasemi, A., & Hamzehnejad, M. (2015). The Evaluation of the

- Residents Sense of Attachment to Place in the New Towns (Case Study: Hashtgerd New Town). *Journal of Geographic Space* 14(48), 41-56. <http://geographical-space.iau-ahar.ac.ir/article-1-1522-fa.html>
- Mousavi, S. Y., Sahraeian, Z., & Eghball, M. (2018). The Role of a Pedestrian Street in the Social Quality Promotion Tehran City (Case study: Shahrivar 17th Sidewalk). *Geographical Planning of Space Quarterly Journal*, 8(28), 83-98. [http://gps.gu.ac.ir/article\\_70697.html](http://gps.gu.ac.ir/article_70697.html)
- Nasr, T. (2017). The Significance of “Landmarks” in Analysis of the Components of “Identity” and “Culture” in the Image of Iranian City (Case Study: Image of Shiraz City). *Hoviatshahr*, 11(1), 17-28. [http://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article\\_10588.html](http://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article_10588.html)
- Nasr, T., & Majedi, H. (2014). The Significance of “Identity” in Urban Planning. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 6(11), 269-277. [http://www.armanshahrjournal.com/article\\_33478.html](http://www.armanshahrjournal.com/article_33478.html)
- Niazi, M., Shafaei, M. E., & Khedmatkar, D. (2013). Language and Identity; Establishing the Relationship between Foreign Language and National, Personal, Socio-Cultural Identity. *Quarterly of Cultural Studies and Communication*, 9(30), 203-233. [http://jcsc.iaocsc.ir/article\\_15434.html](http://jcsc.iaocsc.ir/article_15434.html)
- Proshansky, H. (1978). The Self and the City. *Environment and Behavior*, 10(2), 147-169.
- Rafie, J. A., & Habibzadeh, K. R. (2012). A Study on Influential Factors on Collective Identity of Guilaki Citizens. *Quarterly Journal of Socio - Cultural Development Studies* 1(2), 100-129. <http://journals.sabz.ac.ir/scds/article-1-32-fa.html>
- Rahimi, H., Ghoraba, M., & Dehbashi, A. (2015). The Analysis of Identity Dimensions in Students University of Kashan and its Relationship with Internet Addiction. *Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 6(11), 71-84. [http://www.icsajournal.ir/article\\_15683.html](http://www.icsajournal.ir/article_15683.html)
- Relph, E. (1976). *The Modern Urban Landscape*. Baltimore: John Hopkins University Press.
- Rezaei, M. (2013). Walk Ability Criteria The Role of Walk Ability in Improving the Sense of Place. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memory Va ShahrSazi*, 18(19), 15-24. <https://dx.doi.org/10.22059/jfaup.2013.51678>
- Speziale, H. S., Streubert, H. J., & Carpenter, D. R. (2011). *Qualitative Research in Nursing: Advancing the Humanistic Imperative*: Lippincott Williams & Wilkins.
- Vahdat, S., Karimi, M. M., & Bakhshi, B. A. (2018). Factors Contributing To This Sense of Place and Urban Planners from the User Perspective (Case Study: Orumiye Revolution Square and the Supreme Leader). *Geographical Planning of Space Quarterly Journal* 7(26), 129-144. [http://gps.gu.ac.ir/article\\_60544.html](http://gps.gu.ac.ir/article_60544.html)

- Varesi, H., Alizadeh, J., & Salehi, M. (2012). Sense of Identity Evaluation in Residents of New Towns (Case Study: Fooladshahr New Town). *Spatial Planning*, 1(3), 37-62. [http://sppl.ui.ac.ir/article\\_15905.html](http://sppl.ui.ac.ir/article_15905.html)
- Yaldiz, E., Aydın, D., & Sıramkaya, S. B. (2014). Loss of City Identities in the Process of Change: The City of Konya-Turkey. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 140(1), 221-233. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.04.413>
- Zarei, M., & Najafi, T. S. N. (2019). Designing the Central Part of the Cities with Approach of Identity Creation to Space; Case Study: The Central Part of Behshahr. *Journal of National Studies*, 20(79), 115-136.

### ب) فارسی

ابراهیم‌زاده، عیسی، و نگهبان مروی، محمد (۱۳۸۳). تحلیلی بر شهرنشینی و جایگاه شهرهای جدید در ایران. نشریه تحقیقات جغرافیایی، ۱۹(۴)، ۱۵۲-۱۷۲.  
زیاری، کرامت‌اله (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی شهرهای جدید. چاپ نهم، انتشارات سمت.